سند روایت عیص بن قاسم؛ « إذا رآه القوم جميعا فاتفقوا على أنه لليلتين»

روایت صحیحه عیص بن قاسم بودیم. باب دوازدهم وسائل الشیعة؛ «باب ثبوت رویة الهلال بالشیاع»، حدیث ششم بود. در مصباح المنهاج مرحوم آسید محمد سعید فرمودند صاحب وسائل ذیل شیاع آوردهاند؛ «وه مخالف لظاهره جدا»[1]. این جور تعبیری را مرحوم آقای حکیم آوردهاند.

راجع به سند هم دیروز تذکر دادند. اول روی فرض ناردست تعلیق عرض کردم. روی آن فرض ناردست بین صفوان بن یحیی با جناب عیص بن قاسم، ابان بن عثمان فاصله میشد. اما مرحوم صدوق در فقیه و در مشیخه استقلال باری کتاب عیص سند دارند، لذا وقتی به طریق نگاه میکنید، در هر دو طریق صاف است. هم طریق مرحوم صدوق در فقیه و هم طریق مرحوم شیخ در تهذیب. راوی کیست؟ صفوان بن یحیی عن عیص بن قاسم است. پس این معلوم باشد.

صاحب وسائل هم فرمودند: محمد بن علی بن الحسین که جناب صدوق باشند، «باسناده»؛ مقصود از اسناده، یعنی به مشیخه خاص خودشان به عیص. نه به حدیث قبلی. «باسناده عن عیص بن قاسم». مشیخه به این صورت است: «[بیان الطریق إلی العیص بن القاسم] و ما كان فيه عن العیص بن القاسم فقد رويته عن محمد بن الحسن رضي الله عنه»[2]؛ که ایشان شیخ جناب صدوق بودند. «عن محمد بن الحسن الصفار، عن يعقوب بن يزيد، عن صفوان بن يحيى، عن العیص بن القاسم»؛ پس ملاحظه میکنید که در طریق صدوق هم «عن صفوان عن العیص» است. ازاینجهت معلوم باشد.

مرحوم شیخ در مشیخه، خودشان از کتاب حسین به سعید اهوازی نقل کردهاند. سه تا از مشایخ بزرگشان از پسر ابن ولید است. مرحوم صدوق از خود پدر نقل کردهاند. مرحوم شیخ از مفید و دو نفر دیگر از مشایخشان از پسر ابن ولید و ایشان از پدرش نقل کرده است. بنابراین هم شیخ و هم صدوق به ابن الولید میرسند. فقط تفاوت این است که ابن ولید در طریق شیخ از دو طریق صفار و حسین بن حسن بن ابان نقل میکنند. اما در طریق صدوق از ابن ولید از صفار از یعقوب بن زید نقل میکنند. این تفاوت در اینجا هست. ولی خب همه اینها از اجلاء هستند. هیچ مشکلی در هیچکدام یک از این بزرگوارانی که در مشیخه تهذیب و فقیه آمده، نیست. این برای سند بود؛ بنابراین صفوان از عیص بن قاسم این روایت را آورده است. دایی عیص بن قاسم هم سلیمان بن خالد است. میگوید همراه دایی ام اولین بار محضر امام علیهالسلام رفتیم، حضرت به من گفتند: او هم قول تو را میگوید؟ دایی ام گفت: بله. حضرت فرمودند: «الحمد لله الذی لم یجعله شیطانا».

حدیثی است! این هم برای خود عیص بن قاسم آمده است.

شاگرد: «لم یجعل له شیطانا» است یا «لم یجعله»؟

استاد: «له» ندارد. به نظرم شاید در کشی بود. اگر در نسخه ای باشد، ممکن است. شاید با «له» مناسبت داشته باشد اما چیزی که در ذهنم هست در آن جا نداشت. شاید در جای دیگری هم که از کشی نقل کرده‌اند، «له» ندارد.

شاگرد۲: در نقل های دیگران هم ندارد.

استاد: نسخه مرحوم میردامادکه تعلیقه دارند، آن جا هم ندارد. در فدکیه صفحه‌ای هست که کلاً مربوط به این حدیث است. چند موردش را آورده بودند. من هم هر چه ممکنم بود اضافه کردم. اگر صفحه قبلی را دیده بودید، دوباره باز کنید تا مطالبی که اضافه کرده‌ام بیایید. گاهی در حافظه دستگاه شما صفحه قبلی ذخیره می‌شود، دوباره می‌زنید تا اضافات جدید را بیاورد.

---

[1] مصباح المنهاج - كتاب الصوم؛ ص: ۳۱۸

[2] من لا يحضره الفقيه، ج4، ص: ۴۴۸

بازبینی #2
ایجاد شده 29 نوامبر 2025 15:08:52 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 فوریه 2026 15:51:48 توسط ... .